

## بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در بازدید از پژوهشکدهٔ رویان - 25 اتیر / 1386

بسم الله الرحمن الرحيم

چند سالی است که یک حرکت مبارک علمی در کشور آغاز شده؛ همه این را قبول دارند که این تحرک ارجمند تقریباً در بین مجموعه‌ی اهل علم کشور اعم از استاد و دانشجو و محقق و دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی کم و بیش گسترده است. بنده وظیفه دارم نسبت به این حرکت عظیمی که دانشمندان، محققان و استادان ما در سرتاسر کشور ایجاد کرده اند، به سهم خودم حقگزاری و ابراز قدردانی کنم.

امروز آمدن من به این مرکز در واقع یک حرکت نمادین است برای قدرشناسی از حرکت علمی عظیم و وسیعی که خوشبختانه در کشور ما شروع شده؛ اگرچه هنوز در آغاز راه است. اینجا را انتخاب کردیم، اولاً به خاطر رویان، ثانیاً به خاطر جهاد دانشگاهی.

مؤسسه‌ی رویان، یک مؤسسه‌ی موفق و یک نمونه‌ی کامل و چشمگیر از آن چیزی بود و هست که انسان آرزویش را دارد. علت اینکه من به مرحوم سعید کاظمی اینقدر علاقه داشتم و الان هم در دلم و در ذهنم برای آن جوان عزیز، ارزش و جایگاه قائلم، همین است. حرکت او، نحوه‌ی کار او، مدیریت او، پیگیری او، یک مجموعه‌ی کاملی بود از آن چیزی که آدم دوست میدارد و آرزو دارد، که حالا من اندکی در این باره عرض خواهم کرد. رویان هم با کمک او و بقیه‌ی همکارانی که در رویان از اول مشغول بوده اند، اینجوری بارآمد؛ اینجوری رشد کرد؛ اینجوری روئید. و من این را از اوائل کار احساس کردم. آن دوست مشترک من و مرحوم کاظمی که شرح قضایای کاری ایشان را در آغاز کار - پانزده شانزده سال قبل - و در خواسته‌ای او را با من مطرح کرد، من نشانه‌هایی که حرکت درست را در این کار احساس کردم؛ لذا گفتم من در حد مقدور خودم در خدمت این کار و پشتیبانی این کار قرار میگیرم. هرچه زمان گذشت، آن ظن اولی تقویت شد؛ تکذیب نشد.

اگر بخواهم این الگوی مطلوب را در یک جمله معرفی کنم، عبارت است از: ترکیب علم، ایمان، تلاش. هم علم را جدی گرفتند، هم ایمان و پایبندی و تقوا را؛ نه به صورت یک سربار، بلکه به شکل یک عنصر اصلی در بافت مجموعه و در بافت کار، و هم خستگی را فراموش کردن، که به گمان من مرحوم کاظمی جان و سلامت خودش را هم سر همین کار گذاشت؛ یعنی این دنبالگیری و این اهتمامها و خسته نشدنها. لذا رویان در چشم من بسیار گرامی است و عزیز است و شما جوانها و مردان و زنان مؤمن و عزیزی که در این مجموعه کار میکنید، برای من عزیز هستید و معتقدم رویان استعداد بسیار زیادی برای کار کردن و برای پیش رفتن دارد.

از قول من نقل کرده اند که من گفته ام: «این سلول بنیادی یک حرکت علمی است»، واقععش همین است؛ همینطوری که این سلولهای بنیادی شما، یک دامنه‌ی تمام نشدنی برای تحقیق دارند - که هرچه شما تحقیق میکنید، پیش میروید، یک میدان دیگری باز میشود که می‌بینید میتوان آن را موضوع تحقیق قرار داد و پیش رفت و به مرزهای جدیدتری رسید - رویان هم همینجور است؛ این مجموعه‌ی شما هرچه کار کند، پیش برود، باز قابلیت پیشرفت دارد و یکایک محققان، پژوهشگران معتقد به علم و با ایمان - که در این مجموعه یا هر مجموعه‌ی دیگری از این قبیل هستند - همین حکم را دارند؛ یعنی توانائی اینها تمام نشدنی است.

و اما جهاد دانشگاهی را انتخاب کردم، چون جهاد دانشگاهی مولود مبارک انقلاب است. همینطور که در قرآن کریم در مقایسه‌ی دو مسجد میفرماید: «لمسجد اسّس علی التقوی من اول یوم أحقَّ ان تقوم فيه، فيه رجال يحبُّون ان يتطهروا»، جهاد دانشگاهی همینجور است؛ جزو محدود رویشهای اصلی خود انقلاب است. این معنایش این نیست که جهاد از اول در هر برهه‌ی از زمان، هرجور بوده، هرجور فکر کرده، هرجور کار کرده، درست است؛ نه، ما آدمها گاهی درست فکر میکنیم، گاهی غلط فکر میکنیم، گاهی درست عمل میکنیم، گاهی غلط عمل میکنیم. ملاک قضاوت،

این تناوبها و پیچ و خمها نیست؛ ملاک قضاوت، هدفگیری و جهتگیری و استمرار در حفظ این هدف است؛ ولو حالا گاهی انسان خطائی هم بکند، لغتشی هم بکند. من هویت جهاد را درنظر دارم که برکات زیادی هم بحمدالله داشته. حالا من یک جمله درباب جهاد میگویم، بعد هم یک چند جمله ای درباب علم و تحقیق و آینده‌ی کارکشور در این زمینه عرض خواهم کرد.

جهاد دانشگاهی مرکب از دو کلمه است دیگر: جهاد و دانشگاه؛ هم باید در آن جهاد باشد، هم باید متناسب با دانشگاه باشد. جهادی عمل کردن، مفهوم خاصی دارد. هرجور کاری، جهادی نیست.

جهاد با جهد و تلاش از لحاظ ریشه یکی اند؛ یعنی در آن معنای جهد و کوشش وجود دارد؛ اما جهاد فقط این نیست؛ جهاد یعنی مبارزه؛ مبارزه‌ی در همین اصطلاح متعارف فارسی امروز ما. مبارزه‌ی انواع و اقسامی دارد: مبارزه‌ی علمی داریم، مبارزه‌ی مطبوعاتی داریم، مبارزه‌ی سیاسی داریم، مبارزه‌ی اقتصادی داریم، مبارزه‌ی نظامی داریم، مبارزه‌ی آشکار داریم، مبارزه‌ی پنهان داریم؛ اما یک نقطه‌ی مشترک در همه‌ی اینها وجود دارد و آن اینکه در مقابل یک خصم است؛ در مقابل یک مانع است. مبارزه با دوست معنی ندارد؛ مبارزه در مقابل یک دشمن است. فرض کنید در دوران اختناق، کسی هر هفتۀ مثلًا پنج تا کتاب میخواند؛ خیلی کار بود؛ اما لزوماً مبارزه نبود؛ جهاد بود، جهاد نبود. اگر میخواست جهاد باشد، باید کتابی را میخواند که در حرکت او در مواجهه‌ی با رژیم طاغوت و رژیم اختناق، تأثیر داشت؛ آنوقت میشود جهاد. خاصیت جهاد این است.

دایره‌ی جهاد شما علم و فناوری است؛ یعنی شما اینجا از شمشیر و نیزه و ژن‌های میخواهید استفاده کنید؛ از مغز و امکانات اندیشمندی درون انسان و فکر و قلم و چشم و اینها میخواهید استفاده کنید. مجموعه‌ی علمی است؛ اما در چه جهتی باشد تا جهاد باشد؟ این مهم است. نگاه کنید ببینید برای کشور شما، برای انقلاب شما، برای اهدافی که این انقلاب ترسیم کرده، کدام دشمن عنود در کمین نشسته و شما باید با آن دشمن عنود مبارزه کنید؟ کارتان در آن صراط که شد، میشود جهاد.

بنابراین، اگر دنبال علمی بگردید که این علم، دشمنان آن اهداف را نه فقط ناراضی نمیکند، خرسند هم میکند، این جهاد نیست. فرض کنیم جهاد دانشگاهی یا فلان مؤسسه‌ی مربوط به جهاد دانشگاهی بگوید در سال فلان، صد یا پانصد مقاله از من در « ISI » منتشر شده؛ این، ملاک نیست. این مقاله چه بود؟ در چه جهت بود؟ به چه درد شما خورد؟ آن کسانی که با آرمانهای شما دشمنند، نسبت به این مقاله چه موضوعی داشتند؟ آیا آنها احساس خطر کردند؟ البته سیاسیونشان - اهل علم که نگاهشان جور دیگری است - یا نه، احساس خطر نکردند.

وقتیکه راجع به سلوهای بنیادی شبیه سازی و اینطور کارها آقایان حرف زدید و بندۀ یا دیگری هم تجلیلی از این کار کردند، مقامات امریکایی اعلام کردند که برای علوم ژنتیک هم باید شورای حکامی به وجود بیاید! این معنایش چیست؟ دشمن از اینکه شما در این رشتۀ دارید حرکت میکنید، دردش آمده است. مثالهای واضح‌تر را عرض میکنم؛ هزاران مثال دارد. آن روزی که شما مثلًا بتوانید آنچنان راداری بسازید که از هیچ نقطه‌ی از فضای آسمان این کشور، هیچ جنبنده‌ای نتواند وارد شود، آن روز دشمن دردش می‌آید؛ یعنی این تیری است که مستقیم میخورد به دشمن. این، میشود جهاد.

در حرکت جهادی، در علم جهادی، در تحقیق جهادی، این عنصر حتماً شرط است. دشمن هم مقصود آمریکا نیست. حالا ما در مقام صحبت، دشمن واضح‌مان آمریکا و استکبار جهانی است. نه، دشمنها انواع و اقسامی دارند. یک وقت یک کارتل بزرگ مالی و اقتصادی از اینکه شما بتوانید مثلًا کارخانه‌ی سیمان بسازید، ناراحت میشود؛ مانع تراشی میکند؛ نمیگذارد، که الان در گزارش‌هایی که در اینجا به من دادند، از جمله همین مسئله بود. دلشان میخواهد یک شورای حکام هم درست کنند برای ساخت سیمان، که هر کس حق نداشته باشد کارخانه‌ی سیمان بسازد یا تولید سیمان کند.



کار جهادی باید هدفمند، درست متوجه به آرمانها و هوشمندانه و عاقلانه و دشمن شکن باشد. یعنی به همان معنای که ما مبارزه را در اصلاح معمولی به کار میبیریم: «دارم مبارزه میکنم؛ این یک مبارزه است.» این، یک تعبیر مصطلح است. در جهاد، این معنا هست. این، تعریف بخش جهاد.

و اما دانشگاهی. دانشگاهی یعنی سطح این فعالیت و تحرک، یک سطح راقی است؛ متناسب با دانشجو و استاد و ذهن فعال علمی است. در همه‌ی کارها همین باید رعایت شود. عوام گرائی و عوام پسندی در کار و در همه فعالیتها نباید دخالت داشته باشد. البته بخشی از فعالیتها علمی است و خوب است؛ مثل همین تحقیقات؛ اما فرض بفرمائید اگر فعالیت در زمینه‌های علوم انسانی و فرض کنید در ادبیات است، باید حرفی که از اینجا بیرون می‌آید، فراتر از آن حرفی باشد که ممکن است یک ادیب معمولی بزند. یعنی سطح، باید سطح راقی ای باشد. خیلی از حرفها در زمینه‌ی علوم انسانی - که حالا ما در آن سابقه داریم و بلدیم و واردیم - مثل تاریخ، مثل ادبیات، مثل فلسفه که اینها مسائل بومی کشور ماست، هست. برخی از این مسائل، حرفهای عادی ای است، حرفهای متعارف است؛ جهاد دانشگاهی هم که نزند، هر کسی میتواند بزند. جهاد دانشگاهی باید حرف‌گزین، حرف برتر را به میدان بیاورد. از باب مثال، شما فعالیت قرآنی دارید. فعالیت قرآنی را خیلیها دارند؛ همه اش هم خوب است - میدانید من جزو کسانی هستم که نسبت به فعالیتها قرآنی دنبالگیری و احساس مسئولیت ویژه دارم؛ از قبل از انقلاب، الان هم همینجور است. یعنی اگر در یک مسجدی ده نفر جوان هم جمع شوند تلاوت قرآن کنند، از نظر من مطلوب است؛ این را دوست میدارم - لکن شما اگر فعالیت قرآنی میخواهید بکنید، باید فعالیت قرآنی شما با فعالیت قرآنی غیر دانشگاهی فرق داشته باشد. لذا اگر شما هم فرض کنید بخواهید همان لحن و نوا و شیوه‌ی فلان قاری و تجوید و صدای خوش و... را مثل بقیه تکرار کنید، البته خیلی خوب است؛ اما فعالیت جهاد دانشگاهی در قرآن، این نیست؛ یک چیزی فراتر از این است. ببینید باب فهم دانشگاهی در مواجهه‌ی با قرآن چیست. بروید سراغ فهمیدن قرآن. قرآن خوان شما جوری باشد که وقتی قرآن میخواند، جلسه‌ای که مستمع قرآن اوست، مفاهیم قرآن را با دل خود لمس کند؛ حس کند؛ و جلسه‌ی قرآن خوانی شما، جلسه‌ی مفاهیم قرآن هم باشد. اینها ابتکار لازم دارد؛ باب شمامست. بنابراین، جهاد دانشگاهی این امکانات و این وسائل را دارد و بnde به جهاد دانشگاهی اعتقاد راسخ دارم. کارهای بزرگی کرده اند؛ کارهای خوبی کردید و همینطور که گفتیم: «اسس علی التقوی من اول یوم». از اول تا حالا که ما جهاد دانشگاهی را شناختیم، بر اساس دین و تقوا بود. بر اساس دین و تقوا نگهش دارید.

چند دقیقه‌ی پیش با دوستان اینجا صحبت بود و عرض کردیم سعی کنید هویت جهاد، تغییر بپیدا نکند. اینی که شما می‌بینید هویت بعضی از اشخاص - فکرهایشان، ترکیبها ذهنی شان - از اول انقلاب تا حالا صد و هشتاد درجه عوض شده، این یک روال و مشای طبیعی نیست که بگوئید طبیعتش همین است دیگر؛ نخیر، هرگز اینجوری نیست. طبیعی این است که اگر انسان یک فکر و یک راهی را به منطق و استدلال پذیرفت، این را تا آن نقطه‌ی آخر راه برود و اگر عمرش کفاف نداد، در این راه بمیرد. این طبیعی نیست که ما بگوئیم: یک راهی را حرکت کنیم برویم؛ گاهی هم با شور و خیلی هیجان، بعد از یک نقطه، ناگهان زاویه بزنیم! بعد، این زاویه‌ها اینقدر ادامه پیدا کند که تبدیل شود به عکس! این، به هیچ وجه طبیعی نیست. بعضیها توجیه میکنند: خوب آقا، اول انقلاب، اول انقلاب بود؛ حالا زمان اثر گذاشته، ما عوض شدیم! نخیر، زمان بر روی عصرهای ضعیف و بی‌ریشه و اعتقادهای واهی و مبتنی بر احساس محض اثر میگذارد؛ یا زمان با همراهی طمعها و هوسها اثر میگذارد. «انَّ الَّذِينَ تَوَلُوا مِنْكُمْ يَوْمَ التَّقْرِيبَ إِلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ بِعْضُ مَا كَسَبُوا». قرآن میگوید: آنهایی که در جنگ احد برگشتند؛ طاقت نیاورند بایستند، این لغتش اینها به خاطر آن کاری است که قبلًا کردند. ما وقتی روح را نساختیم، خودمان را محکم نکردیم، معلوم است؛ هر مماسی روی آن اثر میگذارد؛ یکی، دو تا، سه تا، ناگهان می‌بینید که شکلش عوض شد؛ اما وقتیکه مثل فولاد آبدیده، محکم و استوار و بر مبنای تفکر درست و منطق صحیح، هویت دینی انسان شکل گرفت

و هویت انقلابی شکل گرفت، هرچه زمان بگزدید، این هویت روشنتر، واضحتر، جذابتر، مستحکمتر میشود. آدمها اینجورند، نهادها هم اینجورند. نگذارید نهاد جهاد دانشگاهی، تبدیل شود به یک هویت دیگر؛ به یک هویت غیر دینی، غیر انقلابی.

من یک بار در جمع همین عزیزان جهاد دانشگاهی مطلبی را چند سال پیش گفتم، که یادم هم نبود؛ این را برای من آوردن، خواندم و یادم آمد - باید این هویت صحیح را و این هویت ایمانی را حفظ کنید و باقی بماند. خوشبختانه همینجور هم بوده و تا حالا هم باقی مانده است؛ چون ساخت جهاد دانشگاهی و نوع مدیریت، نوع عملکرد، نوع ارتباط رأس با بدنه، جهتگیریها، خواستهای خوبی بوده است - آنچه که آن روز گفتم، این بود که بعضیها تصور میکنند انقلابیگری، یک حرکت بی انضباط همراه با شلوغی، سردرگمی و بی نظمی! میگویند آقا، آنها انقلابی بود و تمام شد! این، غلط است. مطلقاً در ذات تحرك انقلابی، اغتشاش و بی نظمی نیست. بعکس، انضباط انقلابی از محکمترین و قویترین انضباطهاست. انضباطی که ریشه از ذهن انسان، از دل انسان، از ایمان انسان میگیرد، بهترین انضباطها را دارد.

اول انقلابها از جمله انقلاب ما، بی نظمیهای دیده میشود که این ناشی است از آغاز حرکت انقلابی؛ چون یک بنای کهنه‌ی درهم ریخته باید نابود شود و جایش یک بنای دیگر بیاید. این، چیز طبیعی ای است؛ ولی وقتیکه بنای نو، بنای جدید ساخته شد بر پایه های درست، حرکت بر اساس آن، حرکت منضبط و خوب خواهد بود و پیش خواهد رفت و این، انقلابی است. بنابراین انقلابیگری را با بی نظمی و با شلوغکاری و با نشناختن ضابطه و قانون نباید اشتباه کرد. علی ای حال، جهاد دانشگاهی از جاهایی است که ما به آن امید داریم برای آینده‌ی علمی کشور. اما راجع به مسئله‌ی علم و تحقیق، من این را عرض نکنم: کشور ما بدون حرکت در جاده‌ی گسترش دانش و گسترش پژوهش، امکان ندارد بتواند به نقطه‌ی مطلوب خودش دست پیدا نکند؛ مخصوص کشور ما هم نیست. کلید، دانش و پژوهش است.

دانشمند شدن یک ملت هم به این نیست که دانسته‌های دیگران را فرا بگیرد. آن، مقدمه‌ی کار است. علم یک دامنه‌ی وسیعی دارد؛ انحصاری نمیتواند باشد که ما فرض کنیم یک مجموعه‌ای از کشورها و یا ملتها هستند که نخبگان اینها علم را باید تولید کنند، مرزهای جدیدی را برای علم تعریف کنند، یک مقداری خودشان استفاده کنند، یک مقداری هم که زیاد آمد، بدنه‌ند دیگران استفاده کنند. این نمی شود. این نسبت، این شکل کار، معنایش همین عقب ماندگی دائمی بخشی از کشورها، همین رابطه‌ی ظالمانه‌ی بین کشورها، همین مسئله‌ی دنیای اول و دنیای دوم و دنیای سوم و شمال و جنوب و همین حرفهایی است که جزء ادبیات رائق سیاسی در این قرن و قرن قبل بوده و شده.

همه‌ی انسانها توانائی دانش پژوهی و دانشمندی را دارند. استعدادها البته مختلف است، لکن هیچ کشوری نیست که در آن انسانها توانائی این را نداشته باشند که در این دامنه‌ی وسیع و عظیم علم بالقوه و بالاستعداد، یک جایگاهی برای خودشان پیدا کنند و یک نقشی در آن ایفا کنند. اگر کشوری که سابقه‌ی او، تاریخ او، تجربه‌ی او، نشان میدهد که توانائی استعداد او، توانائی بالائی است و از متوسط بالاتر است - که کشور ما قطعاً از این قبیل است - این بایستی در ایجاد علم، در توسعه‌ی علم، در پیشرفت علم نقش ایفاد کند و اگر توانست این نقش را ایفاد کند، آنوقت این عقب ماندگی، این تبعیض و بی عدالتی در همه‌ی زمینه‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی از بین خواهد رفت و خواهد شد دارای سهم برابر در مقابل کشورهای دیگر و در مقابل قدرتهایی که امروز وجود دارند. آنوقت میتواند خودش را اداره کند، روی پای خودش بایستد؛ یک چیزی بدهد، یک چیزی بگیرد؛ اما امروز اینجور نیست. امروز نظام سلطه در دنیا بنایش بر گرفتن و دادن نیست؛ بنایش بر گرفتن حدکثری و دادن حداقلی است؛ ثروت را میمکند، امکانات را میمکند، اختیارات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی را در کشورها میمکند و در اختیار میگیرند و

در مقابل، گاهی هیچ چیز نمیدهند، گاهی چیز مضری میدهنند، گاهی هم یک چیزکی به آن کشور نقطه‌ی مقابل میدهنند. الان بافت سیاسی دنیا این است: سلطه‌ی گر و سلطه‌ی پذیر. اگر بناست این بافت به هم بخورد و کشورها بتوانند به قدر ظرفیت ملتهاشان و استعداد ملتهاشان در روابط عالم جایگاهی داشته باشند، عمدۀ ترین چیزی که در این کار تأثیر دارد، علم است. بنابراین علم را باید جدی گرفت؛ باید پیش‌رفت.

ما حرکتمان شروع شده، لکن هنوز در اول کاریم؛ هم باید به مراکز علمی و تحقیقی کمک بشود؛ هم به پروژه‌های علمی، پروژه‌های تحقیقی و فناوری باید کمک بشود؛ هم بایستی این میل به علم و تحقیق و پژوهش همه‌جا گسترش پیدا کند. باید مخصوص استاد و محقق هم نماند؛ در محیط دانشجوئی و فضای دانشجوئی گسترش پیدا کند؛ یعنی دانشجو میل به علم آموزی و تولید علم پیدا کند که این کاری است که احتیاج دارد به تدبیر و با توصیه و خواهش و تمنا و سفارش و دستور و اینها، نخواهد شد. مسئولان بخش‌های آموزشی کشور ما؛ چه وزارت آموزش و پرورش، چه وزارت علوم و وزارت بهداشت و درمان، چه بخش‌هائی که مربوط به مسائل برنامه‌ریزی فرهنگی اند، در این زمینه مسئولیت دارند. آنها کاری بکنند که محیط دانشگاهی، محیط علم طلبی باشد. واقعاً این جوان بخواهد عالم بشود و فقط مسئله این نباشد که بخواهد مدرکی بگیرد، یا حالاً اسمی مثلًا برای یک کار کوچکی در بیاورد. این، حرکت لازم دارد. این حرکت باید ادامه پیدا کند. کمک دولت و دستگاه‌های مسئول و کمک کسانی که جایگاهی دارند که میتوانند اثرگذار باشند بر روی ذهن مخاطبانشان، در این زمینه حتماً لازم است.

و من اصرارم بر این است که هر وقت ما برای پیشرفت علم کار میکنیم، این را فراموش نکنید که علم و دین توأمانند. علم مجرد از دین و دور از دین ولو در گام اول در کوتاه مدت یک کشوری را به یک نقطه‌ای از افتخار هم برساند، اما در بلندمدت برای بشریت زیانبار است؛ کما اینکه دارید می‌بینید که زیانبار است.

علمی که از دین جدا شد و خودش را متعهد به دین ندانست، نتیجه اش همین میشود که امروز در دنیا رائق است؛ علم وسیله‌ی زورگوئی است، وسیله‌ی استثمار است، وسیله‌ی تخریب حرث و نسل است و محصول علم، بمب اتم است از یک طرف؛ از طرف دیگر، محصل علم، این مواد مخدر کذائی است؛ محصل علم، روی کار آمدن سیاستمداران دور از همه‌ی احساسات انسانی است در خیلی از کشورهای دنیا. علم را باید با دین همراه دانست. علم را برای خدا و در راه خدا باید تحصیل کرد و به کار گرفت. این، جزو تعالیم اولیه‌ی ما باید باشد؛ در همه‌جا. و توفیقات این علم هم بیشتر است؛ این را به شما عرض بکنم. نگویند اگر علم را مقدس کردیم و با دین همراه کردیم و مؤمن کاری درآوردیم، دیگر پیشرفت نمیکند؛ نخیر، الان همین خود جهاد دانشگاهی شما، همین مجموعه کارهای شما - که به وسیله‌ی عناصر مؤمن این همه کار بزرگ انجام گرفته - نشان دهنده‌ی این است که علم وقتنی با ایمان همراه باشد، توفیقاتش هم بیشتر خواهد بود.

چیزهای دیگری هم من اینجا یادداشت کرده‌ام، که عرض بکنم، منتها دیگر وقت گذشت؛ ساعت دوازده است. امیدواریم ان شاءالله این دیدار ما بتواند پیامی باشد برای جامعه‌ی علمی کشور از سوی مجموعه‌ی دستگاه؛ پیام قدرشناسی، پیام ارجگزاری، پیام حقگزاری از حرکت علمی و بالخصوص درباره‌ی جهاد دانشگاهی و بالاخص در مورد مؤسسه‌ی رویان. و امیدواریم خداوند به همه‌ی شماها اجر بدهد، پاداش بدهد و امیدواریم که خداوند ان شاءالله روح مرحوم کاظمی عزیز را از برکات و تفضلات خودش برخوردار کند و خانواده‌ی محترمshan هم که اینجا تشریف دارند، ان شاءالله مشمول صبر و سکینه‌ی الهی قرار بگیرند و ما روزیه روز شاهد توفیقات بیشتر شما عزیزان در رویان و در جهاد دانشگاهی باشیم.



دفتر مقام معظم رهبری  
[www.leader.ir](http://www.leader.ir)

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته